

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بازتایپ، ویراستاری و ارسال از: دیپلوم انجنیر نسرين معروفی
۱۷ فبروری ۲۰۱۸

دو نوع سیاست همزیستی مسالمت آمیز به کلی متضاد - ۶

دو نوع

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

به کلی متضاد

ششمین تفسیر از نامه سر گشاده کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیأت تحریریه روزنامه "ژن ژیبائو" (مردم)
هیأت تحریریه مجله "خون چی" (پرچم سرخ)
(۱۲ دسمبر ۱۹۶۳)

چاپ اول ۱۹۶۴

چاپ دوم ۱۹۶۴

اداره نشریات زبانهای خارجی
پکن [بیجینگ] ۱۹۶۴

همکاری اتحاد شوروی با ایالات متحده آمریکا روح خط مشی اصلی "همزیستی مسالمت آمیز"
رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی می باشد.

طی سالهای اخیر رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی پیوسته از "همزیستی مسالمت آمیز" دم می زنند ولی در واقع برخورد آنان با چین و برخی از دیگر کشورهای سوسیالیستی نه تنها با اصول انترناسیونالیسم پرولتری مغایر بوده بلکه با اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز هم وفق ندارد. اگر صاف و پوست کنده گفته شود، رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی در تبلیغات خستگی ناپذیر در باره همزیستی مسالمت آمیز به مثابه خط مشی اصلی سیاست خارجی خود این هدف را تعقیب می کنند که همه کشورهای سوسیالیستی و کلیه احزاب کمونیست سراسر جهان را به خدمت همکاری اتحاد شوروی با ایالات متحده آمریکا که طی سالهای اخیر آنها در راه آن شب و روز می کوشند، درآورند.

همکاری اتحاد شوروی و امریکا به خاطر مالک الرقابی بر جهان روی خط مثنی اصلی "همزیستی مسالمت آمیز" رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی می باشد.

این است گفته هائی در باره آنها:

"دو معظم ترین دولت معاصر یعنی اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا هر یک از کشورهای جهان بسیار پیش افتاده اند." (38) "هر یک از این دو کشور در رأس عده کثیری از کشورها قرار دارد - اتحاد شوروی بر رأس سیستم سوسیالیستی جهانی و ایالات متحده امریکا بر رأس اردوگاه سرمایه داری می باشند." (39)

"ما (یعنی شوروی و امریکا - توضیح مترجم) نیرومندترین کشورهای جهان هستیم و اگر ما به خاطر صلح متحد شویم، آنگاه جنگ از صفحه گیتی رخت بر خواهد بست و چنانچه دیوانه ای جنگ بخواهد برای ما کافی است با انگشت روی او فشار دهیم تا سر جای خودش آرام بنشیند." (40)

"با نیل توافق بین سران دولتین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا خروشچف و کنیدی مسائل بین المللی که سرنوشت بشریت بدان بستگی دارد، می تواند حل و فصل شود." (41)

ما می خواهیم از رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی بپرسیم:

شما چگونه می توانید به نام صلح، با امپریالیسم امریکا دشمن اصلی صلح جهانی "متحد شوید" در صورتی که در بیانیه سال 1957 و اعلامیه سال 1960 واضح و آشکار نوشته شده است که امپریالیسم امریکا غدارترین دشمن مردم سراسر جهان و نیروی عمده تجاوز و جنگ می باشد؟

ما می خواهیم از رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی بپرسیم:

آیا بیش از صد کشور جهان با بیش از سه میلیارد جمعیت حق ندارند سرنوشت خود را تعیین کنند و باید بدون چون و چرا از دو "غول" و دو "معظم ترین دول" جهان یعنی اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا تبعیت نمایند؟ مگر این یابو سرانی های متکبرانانه و مذبحخانه شما صد در صد شوینیسیم عظمت طلبانه و سیاست زور گوی نیست؟

ما همچنین می خواهیم از رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی سؤال کنیم: مگر شما واقعاً چنین تصور می کنید که با نیل توافق بین دو کشور اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا و دو "رجل بزرگ" می توان سرنوشت تمام بشریت را تعیین کرد و می توان کلیه مسائل بین المللی را حل و فصل نمود؟ خیر، این تصور شما خطاست و کاملاً خطاست! از آغاز تاریخ بشر تا کنون چنین پیش آمدی رخ نداده و به طریق اولی در سالهای شصت قرن بیستم نمی تواند از آن سخن در میان باشد. در جهان کنونی تضاد های بغرنج به هم پیچیده ای از قبیل تضاد بین اردوگاه سوسیالیستی و اردوگاه امپریالیستی، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای سرمایه داری، تضاد بین ملل ستم دیده و امپریالیسم، تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تضاد بین انحصارهای امپریالیستی وجود دارد. مگر با نیل به توافق بین دو کشور اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا این تضاد ها از بین می رود.

رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی فقط برای ایالات متحده امریکا احترام قائل است. در تکاپوی همکاری بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی حتا از خیانت به متفقین واقعی خلق اتحاد شوروی و برادران طبقاتی و کلیه خلقها و ملل ستم دیده ای که هنوز تحت سلطه رژیم سرمایه داری و امپریالیستی قرار دارند، دریغ نمی کنند.

رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی با تشبث به هر وسیله اردوگاه سوسیالیستی را برهم می زنند. آنها با استفاده از هرگونه دروغ بافی و تهمت زنی به حزب کمونیست چین حمله ور شده و چین را زیر فشار سیاسی و اقتصادی قرار

می دهند. آنها تا زمانی که البانی سوسیالیستی را نابود نساخته اند، آرام نخواهند گرفت. آنها همراه با امپریالیسم امریکا به کوبای انقلابی فشار وارد می آورند و طلب می کنند که کوبا حاکمیت و حیثیت خود را قربانی نماید.

رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی با تمام نیرو تلاش دارند مبارزات انقلابی مردم کلیه کشورها را علیه امپریالیسم و سگهای زنجیری اش برهم زنند. آنان به مثابه مبلغ سوسیال رفورمیسم، اراده انقلابی پرولتاریای کلیه کشورهای جهان و احزاب شان را فلج می سازند. آنان بنا به نیاز مندیهای امپریالیسم نهضت‌های آزادیبخش ملی را برهم زده و روز به روز آشکارتر به صورت مدافعین استعمار نوین امریکا در می آیند.

رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی که به خاطر همکاری با ایالات متحده امریکا از صرف هرگونه مساعی دریغ نکرده و بهای گزافی نیز برای آن پرداخته بالاخره چه نفعی از امپریالیسم امریکا به دست آورده است؟ از سال 1959 خروشچف شیفته ملاقات سران اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا شده است. وی چقدر خوابهای شیرینی در این باره دیده و چقدر خیالات واهی پخش کرده است.

خروشچف با حرارت از ایزنهاور تحسین نموده او را "رجل بزرگی" که "سیاست بزرگ را درک می کند" نامید (42)، وی همچنین کندی را به گرمی ستوده، اظهار داشت که کندی "مسئولیت مهمی را که بر دوش دولتین این دو کشور مقدر قرار دارد، درک کرده است". (43) رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی لجام گسیخته به اصطلاح "روح کمپ دوید" را تبلیغ کرده مدعی است که گویا ملاقات وین "حادثه تاریخی" می باشد. مطبوعات اتحاد شوروی ادعا کرده اند که گویا وقتی که سران اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در کنار هم بنشینند تاریخ بشر وارد "نقطه تحول نوینی" می شود و هنگامی که این دو "رجل بزرگ" دست یک دیگر را بفشارند "عصر نوینی" در مناسبات بین المللی به وجود می آید.

اما بر خورد امپریالیسم امریکا نسبت به رهبران کمونیست اتحاد شوروی چگونه است؟ کمی بیش از یک ماه پس از مذاکرات کمپ دوید ایزنهاور علناً اعلام داشت: "برای من معلوم نیست که روح کمپ دوید چیست" و بیش از هفت ماه بعد هواپیمای جاسوسی یو - دو را به فضای خطه اتحاد شوروی اعزام داشت و بدین ترتیب مشاوره سران دول چهار کشور را عقیم گذاشت. کندی مدتی پس از ملاقات وین بدون هیچ تکلفی شرایط گستاخانه برای صلح بیست ساله بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا مطرح کرد که عبارت بود از امتناع اتحاد شوروی از پشتیبانی از مبارزات انقلابی خلقها و احیای رژیم سرمایه داری در کشور های سوسیالیستی اروپای خاوری و یک سال و اندی پس از این ملاقات، کندی فرمان محاصره راهزنانه نظامی کوبا را صادر کرد و بحران بحیره کارائیب را به وجود آورد.

پس از این "روح کمپ دوید" "نقطه تحول در تاریخ بشریت" "عصر نوین در مناسبات بین المللی" که آنهمه در اطرافش تبلیغات می شد کجاست؟ در اینجا این شعر چینی مصداق پیدا می کند که می گوید: "نه در روی زمین و نه در اعماق زمین هیچ جا نمی بینی هیچ جا نمی یابی".

پس از امضای پیمان منع قسمتی از آزمایشهای هسته ئی سه کشور، رهبری حزب کمونیست شوروی لجام گسیخته سروصدا و تبلیغات در باره به اصطلاح "تا تنور گرم است باید نان پخت" و "شرایط مساعد" برای نیل توافق آتی بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا فراهم شده است و نباید روش "آهسته" و "کند" را اتخاذ کرد (40).

سرانجام "روح مسکو" چیست؟ ضرر ندارد که به حوادثی که اخیراً روی داده است نگاهی بیندازیم.

رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی به منظور بهبود محیط "همکاری بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا" به مناسبت سی و مین سالگشت برقراری مناسبات دیپلماتیک بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در مسکو مجلس (میتینگی) تشکیل داد و در عین حال یک هیأت فرهنگی به امریکا اعزام داشت تا این روز را برگذار کند. اما نسبت به

این "احساسات گرم" رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی سرانجام چه برخوردی شد؟ کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده آمریکا در اتحاد شوروی از حضور در آن مجلس (میتینگ) امتناع ورزیدند و وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا تذکاریه ویژه ای منتشر ساخت و از محافل اجتماعی کشور خود طلب کرد که هیأت فرهنگی اتحاد شوروی را تحریم نمایند و اعضای آن را "خطرناکترین و مشکوکترین اشخاص" اعلام داشت.

در همان هنگامی که رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی "همکاری اتحاد شوروی با آمریکا" را تبلیغ می کرد، ایالات متحده آمریکا جاسوسی خود را ف چ بارگخورن را به اتحاد شوروی اعزام داشت. بازداشت این جاسوس از طرف دولت اتحاد شوروی کاملاً قانونی بود. اما پس از آن که کندی اعلام داشت که جریان معامله گندم بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی وابسته به "محیط خردمندانه بین دو کشور" می باشد که "بر اثر بازداشت ف چ بارگخورن شدیداً بدان لطمه وارد آمده است"، دولت اتحاد شوروی به استناد "توجهات رجال رسمی عالیرتبه ایالات متحده آمریکا نسبت به سرنوشت ف چ بارگخورن" با شتاب زدگی بدون محاکمه این جاسوس امریکائی را آزاد ساخت، در صورتی که قبلاً اعلام شده بود که "در جریان بازپرسی ثابت شده است" که "او دست به فعالیت جاسوسی علیه اتحاد شوروی زده است".

آیا براستی "روح مسکو" اینهاست؟ اگر چنین است واقعاً بسیار تأسف آور است.

مسکو پایتخت نخستین کشور سوسیالیستی از زمان انقلاب کبیر اکتوبر میلیونها نفر در جهان را مفتون خود ساخته است، اکنون این نام پرافتخار در اثر آن که رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با سوء استفاده از آن بند و بستهای کثیف و پلید خود را با امپریالیسم امریکا روپوشی می کند دچار ننگ و شرم بی سابقه ای شده است.

خلاصه، رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تقاضای ملتمسانه "دوستی" و "اعتماد" امپریالیسم امریکا به کرات نسبت به آن التماس کرده و یک دنیا تملق گفته و از کشورهای برادر و احزاب برادر چقدر قهر نموده و به آنها فشار آورده و همچنین مردم انقلابی کشورهای مختلف را با هر مانوری که شده، فریب داده است. اما همچون که آب روان عشق گل افتاده را نمی پذیرد، آن رهبری نیز چیزی جز ننگ، ننگ و باز هم ننگ از امپریالیسم امریکا دریافت نکرده و نمی کند.

ادامه دارد